شبی برای «باباطاهر»

گروه ادب و هنر | امروز در کانون زبان فارسی از کتاب «باباطاهر» تالیف نصرالله پورجوادی رونمایی می‌شود. شهرام ناظری هم قطعاتی از شعرهای بابا طاهر را اجرا می‌کند. در این مراسم پرویز اذکایی درباره زندگی و آثار باباطاهر، پورجوادی درباره باباطاهر در تصوف و عرفان ایرانی و محمد سوری درباره شاگردان باباطاهر سخن می‌گویند. همچنین منوچهر انور گزیده‌ای از دوبیتی‌های باباطاهر را می‌خواند و سپس مراسم رونمایی از کتاب انجام می‌شود. همچنین شهرام ناظری قطعاتی از سروده‌های باباطاهر را اجرا خواهد کرد. این برنامه امروز ساعت ۱۷ در کانون زبان فارسی واقع در خیابان ولیعصر سه‌راه زعفرانیه خیابان عارف‌نسب شماره ۱۲ برپا می‌شود.

برداشت ۲

شام و سالاد و نوشابه و کمدی ملال

نگاهی به مجموعه شمعدونی

بهزاد عشقی
منتقد

مخاطب توقع چندانی از طنزهای به اصطلاح تلویزیونی ندارد. به انواع گونه‌های کمدی، از کمدی رمانتیک و موقعیت و وحشت، تا کمدی بوف و هزل و چه و چه نیز توجهی نشان نمی‌دهد. مخاطب معمولی منتقد فیلم و کارشناس هنری نیست و فقط می‌خواهد سر میز شام بنشیند و گوشه چشمی نیز به تلویزیون داشته باشد و در لابه‌لای شام و سالاد و گفت و شنودهای خانوادگی لبخندی بزند و خوش باشد. طنز واقع‌گرا به ظاهر شیرین و در نهان تلخ است و به مخاطب هشدار می‌دهد و او را نسبت به نارسایی‌های اجتماعی آگاه می‌کند. اما بیننده تلویزیونی آگاهی نمی‌خواهد و خسته از واقعیت و دشواری‌های زندگی می‌خواهد به طنز و شوخ‌طبعی متوسل شود تا سختی‌ها را فراموش کند. از این زاویه طنز تلویزیونی داروی درمان نیست و فقط مسکنی برای فراموش کردن است. اما طنزهای تلویزیونی در این حد نیز کارساز نیستند و گرهی از کار فرو بسته مخاطب نمی‌گشایند. نمونه‌اش مجموعه شمعدونی است که پس از در حاشیه و ناکامی مدیری جایگزین آن شده است. این مجموعه نه روایت جذابی دارد که بیننده را کنجکاو کند و نه شخصیت‌هایش می‌توانند جاذبه‌ای به وجود آورند و مخاطب را جلب کنند. نه کمدی هزل و هجو و مسخرگی به اتکای حرکت و عمل است و نه می‌تواند با شوخی‌های کلامی بیننده را بخنداند. نویسنده و کارگردان چندین قسمت از مجموعه را خرج این می‌کند تا عده‌ای قوم و خویش به‌خاطر چشم و هم‌چشمی‌های خانوادگی مدام بر سر هیچ و پوچ با هم درگیر شوند.

درگیری‌های ملال‌آوری که هیچ‌گونه کاربرد کمیک پیدا نمی‌کند. در فیلم‌ها و مجموعه‌های کمدی مهم‌تر از روایت و داستان‌پردازی موقعیت‌های کمیک و بازیگران طنازی هستند که در آن موقعیت قرار می‌گیرند. مثلا تماشای مجدد فیلم‌هایی چون «عصر جدید» و «جویندگان طلا»، هر دو ساخته چارلی چاپلین، هر بار تماشاگر را می‌خنداند. این سرخوشی ناشی از داستان نیست و بیشتر منتج از تک‌صحنه‌های جذاب و خنده‌دار است. مثلا هر بار از دیدن چارلی در مقابل آن ماشین خوراک‌دهی می‌خندیم، یا از واکنش‌های مکانیکی‌اش که شرطی شده است و هر دکمه‌ای را می‌خواهد بپیچاند، به قهقهه می‌افتیم، یا از صحنه رستوران و

ترانه‌خوانی ولگرد دچار ضعف می‌شویم. یا به تماشای مکرر جویندگان طلا نمی‌نشینیم که ببینیم ولگرد سرانجام به گنج می‌رسد یا نه؟ گنج‌یابی بهانه‌ای برای خلق صحنه‌های کمیک است و ما از صحنه‌ای که ولگرد کفشش را پخته است و با اشتها می‌خورد، یا از صحنه‌ای که کلبه‌اش در حال سقوط است، یا از صحنه‌ای که دوست تنومند و خشنش او را به شکل جوجه‌خروس می‌بیند، به وجد می‌آییم و از ته دل می‌خندیم. اما در مجموعه شمعدونی و مجموعه‌هایی از این دست، هیچ صحنه‌ای نیست که خنده بیافریند و خاطره به وجود آورد و نقل محافل شود و بیننده را به تماشای مجددش برانگیزد یا بینندگان جدیدی برایش دست‌وپا کند، چراکه سازندگان مجموعه جز بگو مگوهای مکرر و ملال‌انگیز هیچ چیز در چنته ندارند و حتی از موقعیت‌های کمیکی که به وجود می‌آید نمی‌توانند بهره درستی ببرند. مثلا در یکی از قسمت‌ها، خانم فقیه‌نصیری ناخواسته در گاو صندوق یک بانک محبوس می‌شود.

این اتفاق هم می‌تواند هراس‌انگیز و هم خنده‌دار باشد. اما این واقعه در این مجموعه نه می‌تواند هیجانی به وجود بیاورد و نه به رویدادی خنده‌دار بدل شود. چراکه نویسنده و کارگردان آنقدر حاشیه‌های ابتر و نابجایی به این اتفاق می‌افزایند که اصل واقعه در حاشیه قرار می‌گیرد و فراموش می‌شود. برای مجموعه‌های طنز باید از بازیگرانی استفاده کرد که طناز باشند و بتوانند خنده بیافرینند. واقعیت این است که بازیگر هزار نقش وجود ندارد و هر بازیگری در ورای نقش‌های به ظاهر متنوعش درنهایت یک یا فوقش دو نقش می‌تواند بیافریند. پاره‌ای از بازیگران به‌طور استثنایی هم در نقش‌هایی جدی و هم در نقش‌های کمدی باورپذیرند. اما بسیاری دیگر اگر موقعیت‌هایی کمیک برایشان به وجود نیاید به تنهایی نمی‌توانند خنده بیافرینند. رنه کلر، درباره چارلی چاپلین گفته بود که حتی اگر او را در اتاقی محبوس کنید، نفس حضورش می‌تواند خنده بیافریند. اما به تنهایی چنین کاری از بسیاری از بازیگران برنمی‌آید. سروش صحت در مجموعه شمعدونی از بازیگرانی استفاده کرده است که بالقوه طناز نیستند و باید بستر مناسب برایشان به وجود بیاید. به‌عنوان نمونه حسن معجونی بازیگر خوبی است و در اجراهای صحنه‌ای، چه در نقش‌های جدی و چه در نقش‌های کمیک خوش درخشیده است. اما در این مجموعه چون موقعیت برایش فراهم نیست طنازی‌اش به بار نمی‌نشیند و تاثیری در مخاطب به جا نمی‌گذارد. در هر صورت مجموعه «شمعدونی» حتی به کار خندیدن و فراموش کردن نیز نمی‌آید و دیده نشده به آرشیو می‌رود و فراموش می‌شود.

کافه کتاب

توی این رختخواب نرم خوابم نمی‌برد
گردآوری: آرام روانشاد
ناشر: مروارید
چاپ اول ۱۳۹۴

گروه ادب و هنر | آرام روانشاد در کارنامه کاری خود نوشتن رمان خواندنی و قابل تامل «ساعت ویرانی» را دارد و این روزها سرگرم نوشتن کتابی درباره فروغ فرخزاد است. به تازگی هم نشر مروارید کتابی را منتشر کرده که این نویسنده شیرازی گردآورنده آن است. روانشاد در مقدمه این کتاب نوشته است: «از سال ۱۳۸۱ که مصادف با یکصد سالگی تولد صادق هدایت بود مسابقه ادبی به نام او برگزار شده است. در ۱۲ سال گذشته متجاوز از ۱۰ هزار نویسنده، بیشتر از ایران، افغانستان، تاجیکستان و ایرانیان خارج از کشور در این مسابقه با ارسال یک داستان کوتاه شرکت کرده‌اند.»

روانشاد در ادامه درباره چند و چونی کتابی که گردآورنده‌اش بوده است، می‌نویسد: «در کتاب حاضر ۲۵ داستان منتخب برتر از شرکت‌کنندگان در مسابقه از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ آمده که نمایانگر نحوه نگارش نویسندگان جوان در دهه ۸۰ است.» مجموعه داستان «توی این رختخواب نرم خوابم نمی‌برد» امکان آشنایی با سبک و سیاق داستان‌نویسی ۲۵ نویسنده جوان را فراهم می‌کند. این کتاب را نشر مروارید امسال منتشر کرده است.

گزارش اول

«قصه‌ها» به مرز میلیاردی شدن رسید

فیلمی با سالن‌های کم و فروش خوب

گروه ادب و هنر | فیلم «قصه‌ها» ساخته رخشان بنی‌اعتماد به مرز میلیاردی شدن رسیده است و این جزء شگفتی‌های سینمای این روزها به شمار می‌رود که فیلمی تنها با در اختیار داشتن ۱۲ سینما توانسته به این میزان فروش دست پیدا کند. از طرف دیگر سینماهای حوزه هنری از پخش این فیلم خودداری کردند و به روال سابق خود از نمایش دادن برخی فیلم‌ها پرهیز می‌کنند. «قصه‌ها» پس از چهار سال اکران شد. حاشیه‌هایی که سازمان سینمایی بر سر این فیلم و چند فیلم دیگر با مجلس داشت باعث شد تلویزیون هم از تبلیغ این فیلم صرف‌نظر کند. با این حساب فیلمی که در زمان مناسبی هم اکران نشده خودش را به مرز میلیاردی شدن رسانده است. با این همه آمار فروش سینمای ایران نشان می‌دهد فیلم سینمایی «ایران‌برگر» ساخته مسعود جعفری‌جوزانی با فروش پنج میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در صدر فروش سینمای امسال قرار دارد. در ردیف دوم فروش هم فیلم «استراحت مطلق» ساخته عبدالرضا کاهانی است که دو میلیارد و ۸۰ میلیون تومان فروش داشته است.

در ردیف بعدی فروش هم «رخ دیوانه» ساخته ابوالحسن داوودی قرار دارد که یک میلیارد و ۸۶۵ میلیون تومان فروخته است. در فصل تازه اکران «من دیه‌گو مارادونا هستم» به کارگردانی بهرام توکلی بعد از سه هفته اکران در کمال تعجب از پرده سینماها پایین آمد. این روزها فیلم سینمایی «در دنیای تو ساعت چند است؟» ساخته صفی یزدانیان نیز در میان تماشاگران اقبال خوبی داشته است. در کنار این فیلم هم سه فیلم «نهنگ عنبر» ساخته سامان مقدم، «اسب سفید پادشاه» ساخته حسین لطیفی و «آتیش بازی» ساخته بهمن گودرزی اکران‌شان را آغاز کرده‌اند.

چگونه تالار وحدت به یک کارگردان تازه‌کار رسید

فراهانی: جلوی این هجوم را بگیرید

بهاءالدین مرشدی
b.morshedi@fdn.ir

بعد از خبر بازی مهران مدیری و هدیه تهرانی در نمایش «عاشقانه‌های ناآرام» در تالار وحدت بود که بازی‌شان در این نمایش تکذیب شد. مهران مدیری که کارش را با تئاتر شروع کرد، سال‌ها پیش از تئاتر به تلویزیون رفت و دیگر به تئاتر برنگشت و در تلویزیون و کارهای تصویری ماند. شاید اگر به تاریخچه ساخت تالار وحدت رجوع کنیم می‌بینیم کارکرد این تالار برای اپرا بوده و بعد از انقلاب که اپرا در ایران به انزوا می‌رود این سالن برای کنسرت و تئاتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این همه تئاترهای بزرگی طی این سال‌ها در این سالن اجرا شده است و کارگردان‌های مهمی در آن اجرا کرده‌اند. اما وقتی پای سپردن یک تالار مهم به کسی که سابقه فعالیت تئاتری‌اش بیش از دستیار کارگردانی‌اش نیست به میان می‌آید این سوال مطرح می‌شود که این شخص چگونه می‌تواند یکی از سالن‌های اصلی تئاتر ایران را برای اجرا در اختیار بگیرد.

کارگردان کار اولی بر صحنه تالار وحدت

مریم جلالیان که در کارنامه کاری‌اش دستیاری کارگردان‌هایی چون حمیدرضا آذرنگ، بهاره رهنما و... را داشته است این روزها تصمیم گرفته نمایشنامه‌ای را با عنوان «عاشقانه‌های نا آرام» روی صحنه ببرد. طبق خبرهایی که منتشر شده نخستین عکس از تمرین این نمایش هم روی صفحه خبرگزاری‌ها رفته است. در این عکس نیکی کریمی و محمدرضا فروتن را می‌بینیم که در حال خواندن متن هستند.

سابقه بازی این دو بازیگر در تئاتر به تله‌تئاتر «خرده جنایت‌های زناشویی» به کارگردانی فرهاد آئیش برمی‌گردد که هر دو نتوانستند توجه مخاطب را جلب کنند. با این همه محمدرضا فروتن یکبار دیگر صحنه تالار وحدت را پیش از این تجربه کرده بود و در نمایش «رومئو و ژولیت» به کارگردانی علی رفیعی ایفای نقش کرد. در این میان چند مساله وجود دارد؛ یکی حضور یک کارگردان که سابقه کارگردانی ندارد و دیگری حضور بازیگران سینما در تئاتر که همیشه مورد اختلاف اهالی تئاتری بوده است.

تالار وحدت پاسخ نداد

در پیگیری‌هایی که انجام می‌دهیم با رضا سعیدی‌پور مدیر تالار وحدت تماس می‌گیریم و از چرایی انتخاب این اثر در مجموعه تحت نظارت او می‌پرسیم که پاسخ روشنی به این مساله نمی‌دهد. در این تماس سعیدی‌پور پاسخ را به مهدی سعیدی‌کیا محول می‌کند. این در حالی است که سعیدی‌کیا به گفته خودش تنها بخشی از فعالیت‌های فروش و تبلیغات را به عهده دارد و می‌گوید برای انتخاب شدن این اثر او سمتی ندارد.

با این همه در تماس مجددی که با سعیدی‌پور گرفته شد، نتوانستیم با او صحبت کنیم. باید تالار وحدت پاسخگوی این مساله باشد که آیا تنها معیار برای انتخاب آثار پول و چهره‌های سینمایی است؟ آیا صرف اینکه یک کارگردان بتواند هزینه‌های تالار وحدت را پرداخت کند، می‌تواند در این تالار اجرا داشته باشد؟ و سازوکار انتخاب این نوع نمایش‌ها در این تالار چیست. این در حالی است که نمایش «سقراط» به کارگردانی حمیدرضا نعیمی توانست با ساختار تئاتری‌اش، فروش خوبی در این مجموعه داشته باشد. کارگردان‌های مطرحی در این سال‌ها در این سالن اجرا کرده‌اند که نشان می‌دهد می‌توانند مخاطبان را به سالن‌های تئاتر بکشانند.

نعره‌های فراهانی

بهزاد فراهانی در گفت‌وگو با فرهیختگان در واکنش به این مساله می‌گوید: «زمانی که من در تلویزیون و در برنامه هفت نعره می‌زدم که آقایان جلوی این هجوم را بگیرید، یادم هست که بسیاری از بزرگان مثل آقای رشیدی و آتیلا پسیانی و دیگر همیاران‌شان به من توپیدند. وقتی این‌طور می‌شود مریم جلالیان می‌آید و کارگردان تالار وحدت می‌شود. این موضوع خیلی طبیعی است. از این به بعد هم می‌آیند، از سر قنات و دروازه دولاب هم می‌آیند و زیاد هم هستند. الان وقتش است که در ملک هرکس، هرکاری دوست دارد انجام بدهد.»

بهزاد فراهانی: زمانی که من در تلویزیون و در برنامه هفت نعره می‌زدم که آقایان جلوی این هجوم را بگیرید، یادم هست که بسیاری از بزرگان مثل آقای رشیدی و آتیلا پسیانی و دیگر همیاران‌شان به من توپیدند

نیکی کریمی و محمدرضا فروتن در تمرین نمایش «عاشقانه‌های ناآرام»

کار من متفاوت است

با این همه مریم جلالیان در گفت‌وگو با فرهیختگان از ویژگی‌های کارش می‌گوید و اینکه تنها سالنی که می‌توانسته در آن اجرا کند همین تالار بوده است و دلایل خودش را هم امکانات ویژه این سالن می‌داند و اینکه نمایشی که به صحنه خواهد برد بازیگرهای زیادی خواهد داشت.

او در پاسخ به این پرسش که چگونه برای اولین کار خود به سراغ این تالار رفته و چطور شده که این سالن را به او داده‌اند، می‌گوید: «بهترین شکل و درست‌ترین شکل کار کردن در دنیا این است که کارگردان‌های بزرگ در سالن‌های مهجور اجرا می‌روند تا سالن را راه بیندازند. ولی در ایران وقتی اسم تالار وحدت می‌آید همه فکر می‌کنند این تالار به‌طور مشخص برای یک عده آدم خاص است که سابقه کار دارند.» اما جلالیان برای اجرای اولین کارش وارد یکی از حرفه‌ای‌ترین سالن‌های تئاتری می‌شود و طبق سازوکارهایی که برای اجرا در تالار وحدت وجود دارد حضور او در این سالن غیرطبیعی به نظر می‌رسد. جلالیان در پاسخ به این پرسش که تالار وحدت تنها به دلیل چهره‌هایی که در کار بازی می‌کنند، به شما سالن داد، می‌گوید: «زمانی که من با مدیر تالار وحدت صحبت کردم به هیچ عنوان مشخص نبود بازیگرهای من چه کسانی هستند. من متنم را دادم و برای متنم اقدام کردم و با مسئولان سالن جلسه گذاشتم و این شیوه اجرایی متفاوتی را که برای اولین بار اجرا می‌شود، شرح دادم که پس از آن سالن را به من دادند.» از او درباره شیوه اجرایی متفاوتش می‌پرسیم و او پاسخ می‌دهد چیزی که شما ندیده‌اید این است که ما در این کار مدیوم‌های مختلف را در اجراها از هم جدا می‌کنیم. این کار به لحاظ شیوه اجرا نیاز به سالنی داشت که امکان و فضای زیادی به ما بدهد. این تفاوت هم در روایت است و هم در اجرا. ما برای اولین بار کسانی را به تئاتر می‌آوریم که کمتر آنها را روی صحنه می‌بینید. در یک کار تئاتر این روزها کمتر می‌بینید که یک نوازنده حرفه‌ای وجود داشته باشد.» این در حالی است که در یکی دو سال اخیر محمد رحمانیان از نوازنده‌ها و خواننده‌های حرفه‌ای در اجراهایش استفاده کرده است. جلالیان در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «من هرچه راجع به متفاوت بودن شیوه اجرایی این کار توضیح بدهم تا زمانی که شما این نمایش را نبینید متوجه چیزی که می‌گویم نمی‌شوید. آقای رحمانیان این کار را انجام داده اما چیزی که ما روی صحنه اجرا می‌کنیم قطعا با کار آقای رحمانیان خیلی تفاوت می‌کند. به دلیل اینکه هر کارگردانی وقتی کار می‌کند، کارش از فیلتر نگاه شخصی او عبور می‌کند.»

سازوکاری که باید شفاف شود

سال‌هاست که کارگردان‌های پیشکسوت تئاتر اعتراض کرده‌اند که بازیگرهای چهره و سوپراستارهای سینما و رودشان به صحنه آسیب‌های بسیاری به بدنه تئاتر وارد می‌کند. از طرف دیگر هم هستند اهالی تئاتری که فکر می‌کنند ورود چهره‌ها به تئاتر می‌تواند به رونق تئاتر کمک کند.

با این همه بررسی این مساله در این سال‌ها نتوانسته سازوکار مناسبی برای حضور یا عدم حضور این بازیگرها بر صحنه تئاتر ایجاد کند. اما در کنار این مساله حضور کارگردان کار اولی در تالار وحدت این سوال را که یک سالن تئاتری مهم چگونه می‌تواند تنها با حضور چهره‌های سینمایی در آن پروژه در اختیار او قرار گیرد، بیش از پیش مطرح می‌کند.

این روزها کارگردان‌های زیادی هستند که سال‌هاست برای به صحنه بردن نمایش‌شان با مشکلات مهمی چون نبود سالن مواجه هستند و نتوانسته‌اند کارهای‌شان را روی صحنه ببرند. اگر تالار وحدت تنها تصمیم به فروش بلیت‌هایش گرفته می‌تواند با راهکارهای بهتری این مساله را پیش ببرد.

خبر چین

در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد

تجلیل ایرانیان از کمال‌الملک سینمای ایران

گروه ادب و هنر | مراسم بزرگداشت و تجلیل از جمشید مشایخی بازیگر پیشکسوت با حضور جمعی از هنرمندان، ورزشکاران و مسئولان کشوری و شهری عصر چهارشنبه گذشته در سالن ابوریحان دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. در این مراسم دست‌نوشته و لوح تقدیری از احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران به وی تقدیم شد. همچنین در این مراسم جمشید مشایخی روی صحنه رفت و بعد از اینکه نماهنگی از فیلم هزاردستان و قیصر پخش شد، گفت: «آرزو داشتم امشب و در میان این همه افراد حاضر بر روی سن یکی از نوه‌های ایران‌زمین هم در کنارم باشد، من نوه زیاد دارم اما جای همه‌شان در اینجا و روی سن خالی است.» سپس اجرای فرزاد فرزین در مراسم تجلیل از جمشید مشایخی مورد استقبال قرار گرفت. لوح تقدیری هم از سوی آژانس «هواپیمایی ایرانیان» به پاس سال‌ها تلاش برای هنر و هنرمند به این پیشکسوت سینمای ایران اهدا شد. مجری مراسم رضا رشیدپور بود و چهره‌هایی چون عبدالحسین مختاباد عضو شورای اسلامی شهر تهران، علی دایی سرمربی سابق پرسپولیس، علیاری قائم‌مقام هواپیمایی ماهان، ایرج نوذری فرزند منوچهر نوذری، آتیلا حجازی فرزند مرحوم ناصر حجازی، احمد حلت، فریبا نادری، فرهاد کاظمی، مجید نامجو مطلق و جمعی دیگر از هنرمندان شرکت داشتند. در بخش دیگری از این مراسم جوایز نخستین جشنواره اینستاگرامی کمپین #ایران-مدرن-من به چهار نفر از برگزیدگان اهدا شد.

ادبیات

رضا دانشور درگذشت

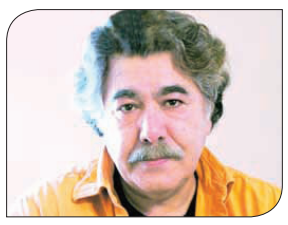

گروه ادب و هنر | رضا دانشور داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویسی که سال‌ها در فرانسه زندگی می‌کرد در ۶۸ سالگی در پی ابتلا به بیماری سرطان در پاریس چشم از دنیا بست. دانشور متولد ۱۳۲۶ بود. آنهایی که کتاب «بازآفرینی واقعیت» گردآوری محمدعلی سپانلو را خوانده‌اند با داستان «آنچه فردابینی و پس‌فردابینی و پسان‌فردا» مواجه شده‌اند که در آن سال‌ها خبر از نویسنده‌ای تجربی را می‌داد و با همان تک‌داستان نامش را در ادبیات ایران بر سر زبان‌ها انداخت. چاپ جسته و گریخته داستان‌های کوتاهش در مجلات خبر از نویسنده‌ای تجربه‌گرا می‌داد تا اینکه داستان بلند «نماز میت» را در ضمیمه لوح منتشر کرد و نامش در میان نویسندگان تثبیت شد. اما رمان «خسرو خوبان» او مورد توجه قرار گرفت. در کنار این رمان‌ها می‌توان به دو رمان «عاشورا، عاشورا» و «کپرنشین‌ها» اشاره کرد مجموعه داستان‌های او از این قرارند: «هی‌هی جبلی قم‌قم»، «شش داستان لوح»، «محبوبه و آل». او در کنار داستان‌نویسی به نمایشنامه‌نویسی هم رو آورد. دانشور که در مشهد متولد شده بود از دوستان و هم‌دوره‌ای‌های داود کیانیان، داریوش ارجمند، انوشیروان ارجمند و رضا صابری، رضا کیانیان بود و نمایشنامه‌های «کجای سال دو هزار منتظرت باشم»، «خورشید روی یخ» و «شهر لوط» را نوشته است. آخرین اثری که از او در ایران منتشر شد نمایشنامه «مسافر هیچ کجا» در سال ۱۳۹۰ بود که نشر آوا آن را روانه بازار کرد.

ادبیات

درگذشت معمار داستان‌نویس

گروه ادب و هنر | سهیلا بسکی معمار، مترجم و داستان‌نویس ایرانی ششم خرداد به دلیل بیماری چشم از دنیا بست. او متولد سال ۱۳۳۲ بود که در طول دوران زندگی‌اش کتاب‌هایی را به فارسی برگردانده بود و داستان می‌نوشت که در سال ۱۳۸۱ با کتاب «پاره کوچک» توانست جایزه ادبی گلشیری را به دست آورد. «در محاق»، «گذشته‌ای هست که نمی‌گذرد»، «ذره»، و «در حکایت ساختن مبال در بم» و «بی‌بی پیک» از کتاب‌های او هستند. بسکی در سال‌های فعالیت ادبی‌اش زندگینامه‌های «ویرجینیا وولف» و «اما گلدمن» را نیز به فارسی برگردانده بود. او مدیریت مجله «معماری» را نیز برعهده داشت و «جایزه بزرگ معمار» را تاسیس کرده بود.

تئاتر

لیلا حاتمی بر صحنه تئاتر

گروه ادب و هنر | این روزها لیلا حاتمی با فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» ساخته صفی یزدانیان روی پرده سینماهاست. از آن طرف هم در تلویزیون حسن معجونی آرتیست یک سریال پرمخاطب به اسم «شمعدونی» است که سروش صحت آن را کارگردانی کرده است. لیلی رشیدی هم خودش را آماده می‌کند تا نخستین تجربه کارگردانی‌اش را در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه ببرد و برای این کار نمایشنامه «اسم» نوشته ماتیو دولاپورت و الکساندر دولاپتولیر را انتخاب کرده و قرار است لیلا حاتمی و حسن معجونی در این نمایش بازی کنند.